

الگوی ارتباطی- فرهنگی دعا در فرهنگ اسلامی - شیعی

با تأکید بر ادعیه صحیفه سجاده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۰۵

حسن بشیر*

کاظم مؤذن**

چکیده

دعا معمولاً به‌عنوان یک پدیده فردی دیده می‌شود اما واقعیت امر این است که عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین اشکال ارتباطی در قالب آن تحقق می‌یابد. در این مقاله تلاش شده با بررسی آیات و روایات و سیره معصومین (ع)، جنبه‌های عرفانی و فلسفی دعا و مقایسه آن با تعاریف و علم ارتباطات، ابعاد پیچیده ارتباطی این پدیده در قالب سطوح و انواع ارتباطات با تأکید بر صحیفه سجاده مورد بررسی قرار گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین سطح ارتباطی دعا و درعین‌حال بیرونی‌ترین آن، ارتباطات برون فردی و مرکزی‌ترین آن، ارتباطات درون فردی است که تمامی عملکرد دعا در عرصه ارتباطات میان‌فردی، گروهی و جمعی تحت تأثیر و به‌واسطه آن صورت می‌گیرد. مهم‌ترین کاربرد دعا در سطح ارتباطات درون فردی «شکل‌دهی، تقویت و جهت‌دهی ارتباطات درون فردی در جهت دستیابی به یک احساس و تجربه معنوی» و در سطح ارتباطات میان‌فردی «تقویت هنجارها و ارزش‌های مرتبط» است. در سطح ارتباطات جمعی، دعا در «انتقال پیام‌های سیاسی، اجتماعی و دینی به مخاطبان انبوه» نقش‌آفرینی می‌کند. ارتباطات برون فردی حاکم بر دعا به‌خودی‌خود دارای چهار سطح و مرتبه است که با سطح اعتقادی و ایمانی دعاکننده ارتباط دارد. بحث ارتباطات کلامی در دعا حداقل در دو سطح مطرح می‌شود: ۱- آنچه از خداوند خواسته می‌شود (که نشانگر نوع رویکرد دین‌داری است) ۲- مباحث زیبایی‌شناختی موجود در زبان دعا. ارتباطات غیرکلامی در دعا، حداقل در سه زمینه «زمان»، «مکان» و «حالات بدنی» نمود پیدا نمی‌کند. دعا در زمینه ارتباطات میان‌فرهنگی، مشترک میان ادیان بوده و ناقل فرهنگ‌ها و مناسک فرهنگی است. ارتباطات امتی را بر بستر زبان عربی تسریع می‌کند و هنجارها و ارزش‌های مرتبط را تقویت می‌نماید. ارتباطات سیاسی نیز حداقل در سه سطح بینش، گرایش و رفتار سیاسی در دعا نمود پیدا می‌کند.

واژگان کلیدی

دعا، فرهنگ اسلامی - شیعی، علم ارتباطات، سطوح ارتباطات، انواع ارتباطات، صحیفه سجاده، تحلیل مضمون

در فرهنگ انسان‌ساز اسلام مفاهیمی وجود دارد که می‌تواند به جریان علوم اجتماعی و ارتباطات کمک فراوانی داشته باشد و تحلیل و بررسی آن‌ها به گسترش مرزهای دانش در این علوم بیانجامد. دعا معمولاً به‌عنوان یک پدیده فردی دیده می‌شود اما واقعیت امر این است که عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین اشکال ارتباطی در قالب آن تحقق می‌یابد.

۱. دعا در همه ادیان وجود داشته است ولی بی‌شک در اسلام و به‌خصوص شیعه جایگاه ویژه و ابعاد ارتباطی مهمی دارد. دعا که خواندن خدا و یاری خواستن برای برآوردن نیازهاست از عبادت‌های مهم اسلامی، بلکه مُخ و مغز عبادت است که ریشه در قرآن دارد: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. در حقیقت کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند به زودی خوار در دوزخ درمی‌آیند» (سوره مؤمن، آیه ۶۰). در دعا انسان نیاز خود و بی‌نیازی و قدرت آفریدگار را با هم در دل دارد و بعد از او کمک می‌طلبد و این حال روح عبادت است؛ یعنی فقر و ناتوانی بنده و غنای آفریننده را باور داشتن. حال دعا روحانی‌ترین و بهترین حال مؤمن موحد است. شیرین‌ترین لحظات عمر در دعا حاصل می‌شود. ارتباطی قلبی و یافتنی نه گفتنی، که در آن زمان بنده خود را از زندان خویش رها ساخته با تمام وجود معبود را می‌خواند.

در این نوشتار تلاش می‌شود تا با بررسی جایگاه دعا در فرهنگ و تاریخ اسلام و خصوصاً شیعه، ابعاد ارتباطی این پدیده در قالب سطوح ارتباطات و انواع ارتباطات مطرح شود. طبیعتاً در این بخش از آیات و روایات معصومین (ع) بهره گرفته خواهد شد و در کنار آن ابعاد عرفانی و فلسفی دعا و قالب‌های جدید آن در جامعه اسلامی نیز مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

بی‌تردید پدیده دعا به خاطر ابعاد دینی و عرفانی خاصی که در دین اسلام و خصوصاً مذهب شیعه دارد، در چارچوب مفاهیم و تعاریف موجود در علم ارتباطات نمی‌گنجد و تبیین آن نیازمند چارچوب‌سازی‌ها و ارائه مدل‌های بومی در این حوزه مطالعاتی است؛ اما این مقاله تلاش می‌کند با بهره‌گیری از مفاهیم و تعاریف موجود علم ارتباطات - که عمدتاً غیربومی هستند- در جهت تبیین این پدیده پیچیده ارتباطی به ارائه نکاتی بپردازد تا زمینه برای پژوهش‌های بعدی در این حوزه باز شود و طبیعتاً در چنین شرایطی تبیین تمامی ابعاد ارتباطی دعا در فرهنگ اسلامی مدعای این نوشتار نخواهد بود.

چارچوب نظری

به‌سختی می‌توان ادعا کرد که بررسی دعا و اصولاً مفاهیم دینی، به‌ویژه مفاهیم اسلامی، می‌تواند به شکل مناسب با نظریات علوم اجتماعی ارتباط عمیق داشته باشند. این مسئله، به این معنا نیست که نمی‌توان از نظریات موجود در جهت تحلیل این مفاهیم استفاده نمود، اما انطباق آن‌ها بر نظریات مزبور یا تبعیت آن‌ها از نظریات موجود در علوم اجتماعی، قطعاً با اشکال جدی معرفتی مواجه خواهد شد.

به همین دلیل در این مقاله تلاش شده است که به‌جای تعیین چارچوب مشخصی از نظریات ارتباطی و فرهنگی و تلاش برای گنجاندن مفاهیم دعا در این نظریات، حرکت معکوسی در جهت برداشت معنای فرهنگی - ارتباطی با تحلیل فرازهایی از دعاهای صحیفه سجادیه صورت گیرد و در سایه این تحلیل‌ها پیوند نسبی آن‌ها با نظریات موجود از قبیل ارتباطات میان‌فردی، ارتباطات برون‌فردی، ارتباطات جمعی، ارتباطات کلامی، ارتباطات غیرکلامی و غیره مورد کشف قرار گیرد.

در رابطه با چارچوب روشی نیز این مقاله با بهره‌گیری از روش‌های اسنادی و تحلیل مضمونی که متعاقباً توضیح داده خواهد شد، در تلاش بوده است که ضمن بررسی دعاهای صحیفه سجادیه، بررسی لازم را جهت انتخاب فراهایی که می‌توانند به نوعی منعکس‌کننده رویکردهای فرهنگی - ارتباطی باشند را مشخص و سپس با تحلیل مضمونی مفاهیم اساسی آن‌ها را کشف و در ذیل نظریات موجود در این زمینه درج نماید. به کارگیری این روش نیز تا اندازه زیادی رابطه مفاهیم موجود در دعاها، معانی مضمونی آن‌ها و نیز ارتباط آن‌ها با برخی از نظریات فرهنگی - ارتباطی را مشخص کرده است.

۱. صحیفه سجادیه و تجربه تاریخی امام سجاد (ع)

پس از واقعه کربلا تاریخ تشیع وارد مرحله حساس و خطیری شد. در این مقطع همه ارزش‌های انسانی و اسلامی پایمال گشته و مسجد و منبرها در بست در اختیار رژیم جبار بنی‌امیه بود. قرآن و حدیث از سوی محدثان خودفروخته دربارها، بر وفق مقاصد شوم وارثان کفر و جاهلیت تفسیر و توجیه می‌شد. محاکم قضایی به اعدام و شکنجه آزادمردان فتوا می‌دادند و دنیاطلبان سر در آخور خلافت فرو برده بودند. این مسایل و امثال آن تنگناهای سیاسی و اجتماعی شدیدی را برای امام سجاد(ع) به وجود آورده بود که انجام مسئولیت رهبری امت در چنین شرایطی را فوق‌العاده پیچیده و دشوار نموده بود. یاران صادق و وفادار در آن زمان انگشت‌شمار بودند و با توجه به شرایط حاکم بر محیط اجتماع تنگنای شدیدی برای مکتب امامت وجود داشت (رهبر، ۱۳۶۶، ص ۲۰).

امام سجاد(ع) به اقتضای زمان خود متظاهر به ظهور دعا و نیایش شدند و با این ظهور، قسمتی از فرهنگ تشیع را برای تمام دوران حیات تشیع بلکه مسلمین تثبیت کردند. ایشان با زبان دعا در مسجد و خانه خود برای دومین بار مکتب فرهنگی را تأسیس نمود، همان مکتبی که جد ایشان علی(ع) برای اولین بار ایجاد نمود. تأسیس مکتب دعا توسط آن حضرت به‌ویژه با بارش صحیفه سجادیه از وجود ایشان فقط برای بن بست شکنی و طرح‌ریزی حکومت دینی شیعی نبود، بلکه برای استکمال فرهنگ اسلامی و شیعی بود؛ زیرا عنصر دعا که نیاز ضروری برای بقای حیات معنادار انسانی است. جزئی از فرهنگ و مکتب حیات‌بخش اسلام بوده و باید با ظهور انسان کاملی کمال می‌یافت و نهادینه می‌شد. از همین رو می‌توان ادعا کرد ظهور حضرت زین‌العابدین(ع) به شکل دعا و تهجد فقط به علت تحمیل زمانه نبود، بلکه حکمت و رسالت الهی چنان اقتضایی داشت (سلمانیور، ۱۳۸۴، ص ۸۶).

با اندکی تأمل در شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان امام سجاد(ع) به‌راحتی می‌توان دریافت که چرا ایشان دعا را به‌عنوان اسلحه‌ای برنده‌تر از شمشیر انتخاب کرد و با این کار توانست اهداف عالی امامت خویش را با درایت و هوشمندی تمام در قالب مطمئن‌ترین سند در اختیار مردم عصر خویش قرار دهد، به‌گونه‌ای که حتی بعد از گذشت چهارده قرن، هنوز هم اعتقاد بسیاری از پژوهشگران عالم اسلام صحیفه سجادیه به‌عنوان سومین سند متقن بعد از قرآن و نهج‌البلاغه مطرح است.

۲. پیشینه تحقیق

بررسی‌ها درباره دعا بر حسب نظریه‌های جدید ارتباطات و نشانه‌شناسی در سطح جهان محدود و کمیاب هستند (دی گیل، ۱۳۸۶، ص ۶۸)؛ و در ایران تقریباً اثری از آن نیست. ویلیامسن^۱ (۱۹۸۰) دعا را به‌عنوان بخش مطالعه موردی تحقیقش درباره ارتباطات درون فردی قرار می‌دهد. در واقع در نگاه او دعا گفت‌وگویی است که انسان با خودش انجام

می‌دهد. ویلیامسن مدعی بود که دعا مفهوم اصلی خود را از یک فرآیند مشترک تولید نشانه بین شخص و افراد دیگر اجتماع به دست می‌آورد و فرد از این طریق می‌آموزد که چگونه به صورت معناداری با خود سخن گوید (Williamson, 1980, p. 10).

بیزلر^{۱۱} (۱۹۹۷، ۲۰۰۳) یک مطالعه تجربی مهم در زمینه دعا انجام داده است. او به لحاظ مفهومی دعا را به عنوان شکلی از ارتباطات میان فردی معرفی کرد و مورد سنجش و ارزشیابی قرار داد. بیزلر دعاها را به عنوان شکلی از ارتباطات معنوی بین یک انسان و دیگری یزدان^{۱۱} (خدا) درک می‌کرد. او تلویحاً دیدگاهش را بر یک پیش فرض بنیان نهاده بوده و می‌گفت هر فعالیت ارتباطی که به یک گروه، اجتماع و یا فرهنگ خاص وابسته است، اجباراً باید ملاک‌های صحت خود را درون ساخت‌های معرفت‌شناختی و وجودشناختی که از آن سرچشمه گرفته است، پیدا کند. در نتیجه تلاش بیزلر این بود که بین دو سنت رقیب و متفاوت پیوند ایجاد کند. سنت مسیحی که به دعا اعتقاد دارد و بدان عمل می‌کند و سنت علوم اجتماعی که به سمت تحلیل دعا به عنوان یک ارتباطات صرفاً میان فردی تمایل دارند (Eidenmuller & Honeycutt, 2010, p. 10).

بیزلر ارتباطات میان فردی را این گونه تعریف می‌کند: یک فرآیند تعاملی که به وسیله آن دو فرد در یک زمینه روابط فردی ... و موقعیت خاص، پیام‌های نمادین کلامی و غیرکلامی خود را با هدف اشتراک معنا با دیگران، تولید می‌کنند، انتقال می‌دهند، دریافت می‌کنند و هماهنگ می‌کنند. بیزلر (۱۹۹۹) تلاش کرد تا «مدل نظری ادعیه میان فردی مسیحی» را صورت‌بندی کند.^{۱۷} او در مدل خود دعاکنندگان را به دو نوع فعال و منفعل تقسیم کرد و گفت مفهوم «دعاکننده فعال» حداقل در بردارنده دو سطح است: ۱- فعالیت‌های ارتباطی سخن گفتن با خدا (کلامی و غیرکلامی / ذهنی) و ۲- جایگیری و توالی این فعالیت‌ها درون زندگی دعاکننده. در واقع دعاکننده فعال بر تلاش عامدانه انسان برای ارتباط با خدا تاکید می‌کند. همچنین بیزلر اشاره می‌کند که دعای دعاکننده‌های فعال را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: نیایش، اعتراف، شکرگذاری و درخواست (Baesler, 1999, p. 40).

مطالعه درباره دعا هنوز هم به طور گسترده‌ای تحت تأثیر ایده قدرت تأثیرگذاری زبان بوده است. حری (۱۳۸۷) در یکی از معدود بررسی‌های زبان‌شناختی پدیده دعا در ایران، دعای سال نو را به عنوان یک اثر ادبی بررسی و برخی ویژگی‌های زبانی این دعا را بدین صورت فهرست کرده است: ۱. زبان دعا برخلاف زبان روزمره که اطلاع‌دهنده صرف است، زبان عاطفی است که هم بیان‌کننده و هم برانگیزاننده احساس در گوینده است؛ ۲. زبان دعا برخلاف زبان متعارف موجز و فشرده است و اندیشه را توأم با احساسات و با عباراتی کوتاه و فشرده بیان می‌کند و ۳. زبان دعا چندلایه و چند منظوره است (حری، ۱۳۸۷، ص ۸۲).

در سایر پژوهش‌های مشابه درباره منابع اسلامی، سلمانپور (۱۳۸۴) تلاش حضرت سجاد(ع) را در فرهنگ‌سازی با زبان دعا، تعلیم و تربیت، تبلیغ و ستیز سیاسی نشان می‌دهد. میرقادری (۱۳۸۴) جنبه ادبی و هنری نیایش‌های امام سجاد(ع) را در صحیفه بررسی می‌کند. برومر (۱۳۸۴) در پرتو نظریه بازی‌های زبانی ویتکنشتاین به منزله صور زیستن، معنای دعا را در ادیان ابراهیمی تحلیل کرده و نشان می‌دهد که در این ادیان چگونه دعا راهی برای شناخت بهتر خدا به شمار می‌آید.

۳. روش‌شناسی

این پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون^۷ انجام می‌گیرد. تحلیل مضمون رایج‌ترین شکل تجزیه و تحلیل در تحقیقات کیفی است (Guest, 2012, p. 11). این روش بر تعیین، بررسی و ضبط دقیق الگوها (تم‌ها) در داده‌ها (Braun & Clarke, 2006, p. 83) و همچنین بر سازمان‌دهی و شرح عمیق داده‌ها تاکید دارد. تحلیل مضمون از شمارش عبارات و یا کلمات در یک متن فراتر می‌رود و به سمت شناسایی ایده‌های صریح و ضمنی در داده‌ها حرکت می‌کند (Guest, 2012, p. 11).

مضمون‌ها، الگوهایی در سراسر مجموعه داده‌ها هستند که برای شرح یک پدیده ضروری هستند و به یکی از سؤالات خاص پژوهش مربوطاند (Daly & Gliksman, 1997, p. 611). مضمون در واقع نشان‌دهنده سطحی از پاسخ یا معنای الگومند از داده‌هاست که به سؤالات پژوهش مرتبط است. تعیین اینکه چه چیزی می‌تواند به‌عنوان یک مضمون در نظر گرفته شود، می‌تواند با شیوع قطعی آن مرتبط باشد. حالت ایدئال این است که مضمون در سراسر مجموعه داده‌ها چندین بار رخ دهد، اما فراوانی بیشتر لزوماً به این معنی نیست که شناسایی آن مضمون اهمیت بیشتری دارد. قضاوت پژوهشگر ابزار کلیدی در تعیین میزان اهمیت مضمون می‌باشد (Braun & Clarke, 2006, p. 102).

روال‌های مختلفی برای طی فرآیند تحلیل مضمون وجود دارد اما علی‌رغم تفاوت ظاهری، عموم این روش‌ها واجد سه گام عمومی «جمع‌آوری و توصیف»، «سازماندهی و تنظیم» و در آخر «تفسیر و بازنمایی» هستند؛ برای مثال، اچ. اف ولکات^۸ تحلیل مضمون را شامل سه مرحله توصیف، تحلیل و تفسیر دانسته است (نریمانی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۴). نکته تمرکز این پژوهش بر ادعیه اسلامی - شیعی به‌طور خاص ادعیه صحیفه سجادیه، احادیث مرتبط با دعا و مباحث کلامی مطرح در این زمینه قرار دارد. مجموعه داده‌های موجود در این زمینه، با سطوح ارتباطات و انواع ارتباطات مقایسه می‌گردد و مراحل توصیف و تحلیل درباره هر کدام به‌صورت مجزا انجام می‌گیرد. نهایتاً در بخش‌هایی تفسیر نتایج محقق می‌شود.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. سطوح ارتباطی دعا در فرهنگ اسلامی - شیعی

سطوح متعارف ارتباطات عبارت‌اند از: ارتباطات درون فردی، ارتباطات میان‌فردی، ارتباطات شبکه‌ای، ارتباطات جمعی، ارتباطات گروهی، ارتباطات برون‌فردی (گیل و بریجت، ۱۳۸۴، ص ۲۴۴)؛ که از میان این سطوح ۶ گانه، پنج مورد با موضوع این پژوهش یعنی دعا سازگاری دارد و تنها ارتباطات شبکه‌ای است که مصداقی درباره آن ندارد.

۴-۱-۱. ارتباطات درون فردی

ارتباط درون‌فردی^۹، یک دادوستد ارتباطی است که در درون وجود شخص روی می‌دهد و می‌توان آن را حرف‌زدن با خود نامید (بلیک و هارولدسن، ۱۳۷۸، ص ۳۹).

انسان به‌محض توجه به وضع خود و واقعیات پیرامونش به انبوهی نیاز پی می‌برد که رسیدن به آن‌ها به تلاش و عمری بی‌نهایت نیاز دارد. انسان با عمر محدود خود در راه دستیابی به انبوه نیازهای بی‌حد و حصرش یا از یأس و سرخوردگی سر می‌آورد و یا به جنون تلاش که محنت‌زا برای خود و دیگران است مبتلا می‌شود. در این میان عقل راه

سومی پیشنهاد می‌کند؛ انسان با دعا نیروی ناتوان خود را به مبدأ قدرت لایزال پیوند زند و نیروی غیرمتناهی الهی را به مدد طلبد تا از رهگذر انبوه نیازها دست‌خوش خلأ معنوی نشود، نه مأیوس گردد و نه به تلاش جنون‌آمیز واداشته شود، بلکه در راه اهداف متعالی استقامت نماید و از مشکلات نهراسد (مدرسی، ۱۳۷۱، ص ۴۰).

انسانی که دعا می‌کند، در واقع صادقانه و از ته دل به این ناتوانی‌ها اعتراف می‌کند و در لحظاتی ارزشمند به خود می‌باوراند که در مقابل انبوه نیازها نباید احساس ناتوانی کند چرا که همواره به منبعی متصل است که بی‌نیازی مطلق است. دعا بر روشن‌بینی و سعه صدر انسان می‌افزاید و باعث بلنهدمی او می‌گردد. دعا باعث می‌شود که انسان خود را در چارچوب‌های تنگ، محصور نکند. دعا انسان را به حقیقت خود بازمی‌گرداند و حقیقت انسان آن است که وی علیرغم آنکه خود را وجودی کوچک می‌پندارد، دعا فراروی انسان را بر این حقیقت پرتو می‌افکند (مدرسی، ۱۳۷۱، ص ۳۲). انسان به‌وسیله دعا به خود می‌گوید که اگر شرایط فعلی من بد است اما قدرت الهی آن‌چنان عظیم است که باعث همت بلندی من می‌شود و من در پرتو عنایت خداوند آینده را روشن می‌بینم.

دعا کردن یعنی خواستن و تکرار کردن خواست‌ها و نیازها و همچون شعار و تلقین اصول اعتقادی است. دعا همچون با تازیانه نیش زنده نگه‌داشتن درخواست‌ها و ایدئال‌های مقدس انسانی است تا روح انسان در بند عینیت مادی، پستی روزمرگی و ابتذال نماند (دستغیب شیرازی، ۱۳۳۶، ص ۵).

موضوع توبه که با احساس پشیمانی از گناه همراه می‌باشد، به‌عنوان یکی از گونه‌های بارز ارتباط درون فردی، در صحیفه سجادیه از جایگاهی ممتاز برخوردار است و به‌کرات و در قالب‌های متنوع در آن تکرار می‌شود. در ادبیات اسلامی توبه بیش از هر چیز یک تصمیم درونی است که حاصل پشیمانی از گناه است. این پشیمانی تنها در صورتی مقبول درگاه باری تعالی قرار می‌گیرد که فرد تصمیم قطعی بر عدم ادامه گناه را داشته باشد. در صحیفه سجادیه توبه به معنای «بازگشت از گناه» و «وسیله‌ای برای تغییر رفتار و یا باعث اصلاح انسان و رفع فساد» آمده است.

به‌عنوان نمونه در دعای ۳۱ صحیفه آمده است: «خدایا من از آن خاطرات دل و نگاههای چشم و گفتگوهای زبانم که مخالف اراده تو یا بیرون از حد محبت تو باشد، پیش تو چنان توبه می‌کنم که هر یک از اعضایم - جداگانه - از عقوبت‌های تو سالم بماند، و از قهر و انتقام شدید و دردناک که بیدادگران از آن می‌هراسند ایمن گردد».

در این دعا فرد در قالب گفت‌وگویی شخصی و معنوی با خداوند به ناآگاهی خود در هنگام گناه اعتراف می‌کند و یک احساس پشیمانی را با خود زمزمه می‌کند. لحظاتی که اعضا و جوارحش بر خلاف فرمان خداوند عمل کرده را به یاد می‌آورد و همزمان ترس از عذاب الهی را تداعی می‌کند. در واقع فرد در هنگام قرائت دعا دستیابی به یک احساس درونی را می‌آموزد و آن را تجربه می‌کند. امام سجاده (ع) در قالب این قبیل ادعیه در صحیفه سجادیه، به مؤمنان می‌آموزد که چگونه برای توبه آماده شوند و آن احساس پشیمانی را درک و تجربه کنند. به عبارت کلی می‌توان مهم‌ترین کارکرد دعا در این سطح را «شکل‌دهی، تقویت و جهت‌دهی ارتباطات درون فردی در جهت دستیابی به یک احساس و تجربه معنوی» دانست.

۴-۱-۲. ارتباطات میان فردی

ارتباطات میان فردی^{viii} را می‌توان به‌عنوان فرآیندی تعاملی که در جریان آن دو نفر پیام‌هایی را ارسال و دریافت می‌کنند، توصیف کرد؛ بنابراین لازمه این ارتباط، دادن و گرفتن است و همچنین در فرآیند ارتباط، عنصر اطلاعات و رابطه همیشه با هم است (برکو، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸).

تمایز سه گانه دعا به عنوان «متن»، «موضوع» و «عمل» راه را برای مطالعه عمومی درباره دعا باز کرده و می‌تواند سودمند باشد. دعا به عنوان متن مجموعه‌ای از کلمات است که بشر به واسطه آن‌ها با یک ذات مجرد ارتباط برقرار می‌کند. دعا به عنوان موضوع جنبه‌ای از دین است که تبیین ماهیت آن آموزه‌ها، دستورالعمل‌ها یا الهیات دینی را روشن می‌سازد. این بُعد از دعا را می‌توان «فرا نیایش» نامید؛ اما در رویکرد دعا به عنوان عمل، دعا نه تنها در بردارنده کلمات ابراز شده است بلکه شامل برخی عناصر انجام یک کنش گفتاری نیز هست (دی گیل، ۱۳۸۶، ص ۶۷). این تمایز مفهومی می‌تواند جنبه‌هایی مهم از سطوح ارتباطی دعا را روشن سازد.

دعا شیوه ارتباط انسان است با موجودی متعالی و از این حیث عمیقاً بازتابنده شیوه ارتباطات رایج در جوامع انسانی و کنش‌های متقابل اجتماعی به ویژه در هنگام رویارویی با اعیان است. در واقع انسان‌ها در برابر خداوند همان قدر و با همان معیارها شرم حضور دارند که آموخته‌اند برای محفل بزرگان ادب نگه‌دارند. دعا یک ارزش و هنجار فرهنگی است و با محتوای خود و با مناسکی که معمولاً همراهی‌اش می‌کند، بازتابنده هنجارهای اجتماعی دعاگران و آرمان‌هایی که جوامع بشری برای تأمین آن‌ها پا گرفته‌اند.

در صحیفه سجاده در قالب دعا، مجموعه‌ای از اصول، ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با ارتباطات میان فردی تبیین می‌گردد. در این قبیل از ادعیه، فرد از خداوند می‌خواهد که به او کمک کند تا رفتارش اصلاح گردد و امام سجاده (ع) در این قالب به مؤمنان و خوانندگان دعا می‌آموزد که چه نوع رفتاری مناسب و چه نوع رفتاری نامناسب است.

به عنوان نمونه در دعای ۲۶ صحیفه آمده است: «خدایا بر آن دار که بدکردارشان را به نیکی پاداش دهی، و از ستمکارشان به عفو و اغماض در گذرم، و خوش‌بینی را در باره همه ایشان بکار بندم. و دست مهر و شفقت بالای سرشان بگشایم و دیده‌ام را به آئین عفت از ایشان فرو پوشم، و از سر فروتنی با ایشان سازش و نرمش کنم، و بر مبتلایانشان از سر مهر دلسوزی کنم».

در قالب این دعا خوانندگان دعا و مؤمنان می‌آموزند که باید با بدکرداران به نیکی برخورد کنند، در مواجهه با آنان گذشت و حسن ظن داشته باشند، با فروتنی و مهربانی با آنان برخورد کنند. این چارچوب هنجاری توصیه دین اسلام برای رفتار میان فردی است که وقتی در قالب دعا و در حضور معنوی فرد در پیشگاه حضرت حق یادآوری می‌گردد، عمق تأثیر آن افزایش می‌یابد. فرد همزمان با یادگیری یک رفتار میان فردی، با خود سخن می‌گوید و این یادگیری از مسیر ارتباط درون فردی تحقق می‌یابد؛ به عبارت دقیق‌تر وقتی فرد از خداوند متعال یک رفتار صحیح و سالم را درخواست

می‌کند، به خود می‌گوید که رفتار صحیح این‌گونه است و به نوعی از اشتباهات خود در برخوردهای ناشایست با اطرافیان ابراز ندامت می‌کند. در مجموع می‌توان مهم‌ترین کارکرد دعا در سطح ارتباطات میان فردی را «تقویت هنجارها و ارزش‌های مرتبط» دانست.

۳-۱-۴. ارتباطات گروهی

ارتباطات گروهی^{ix} ویژگی‌های خود را دارد و بیش‌تر از طریق رسمی و با ساختار و برنامه‌ریزی انجام می‌شود؛ فردی سخن می‌گوید، دیگران گوش می‌دهند. هر انسانی به اقتضای شرایط و تجارب و وضعیت خود، در سخنرانی‌های زیادی به عنوان مستمع شرکت می‌کند؛ به عنوان دانشجو و دانش‌آموز در کلاس درس، به عنوان شرکت‌کننده در یک کنگره علمی یا هنری و به عنوان مستمع در یک سخنرانی مذهبی. گاه ممکن است به عنوان سخنور یا سخنران در فراگرد ارتباطی

شرکت داشته باشد. این نقش به طرق گوناگونی شکل می‌گیرد؛ گاهی به‌عنوان استاد یا معلم و گاه به‌عنوان سخنران مذهبی. در بیش‌تر موارد، این نوع ارتباط بر اساس هدف اطلاعاتی و یا اقناعی و یا متقاعدسازی طرح‌ریزی می‌شود و شکل می‌گیرد (فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۱۳).

هنگامی که دعا به‌عنوان «عمل» در نظر گرفته می‌شود، میان دعای شخصی و دعای مناسکی^x تفاوت گذاشته می‌شود. بسیاری از اندیشمندان دعای شخصی را صحیح‌ترین شکل و حتی تنها شکل صحیح دعا می‌دانند. باین‌حال متن دعا‌های شخصی یافت شده در نامه‌ها، زندگی‌نامه‌ها و خاطرات حاکی از ارتباط و پیوند عمیق دعای شخصی با دعای مناسکی و مراسم عبادی در زبان، شکل، سبک و طرز نگرش عینی است. کسی که به‌صورت فردی دعا می‌کند همواره در سنتی دینی و فرهنگی پرورش یافته است که در آن دعای مناسکی یا همگانی اجرا می‌گردد. دعای مناسکی در اثر عدم تطبیق با مفاهیم ساده‌دعای خودجوش و بدون تکلف، اغلب نادیده گرفته می‌شود (دی گیل، ۱۳۸۶، ص ۷۱).

در فرهنگ اسلامی تشویق به زندگی اجتماعی، در جمع بودن، با هم زیستن، برای جمع تلاش کردن و ... به شکل‌های مختلف مطرح شده است. در روایات سفارش شده که در هنگام دعا تنها به فکر خواسته‌های خود نباشیم بلکه برای برادران و خواهران دینی و همه کسانی که با ما ارتباط معنوی، خویشاوندی، همسایگی و ... دارند، دعا کنیم (امیدی فرد، ۱۳۷۹، ص ۵۶). امام صادق(ع) می‌فرماید: هرکس چهل نفر را در دعا بر خود مقدم بدارد و برایشان دعا کند، آنگاه خواسته‌اش را از خدا بخواهد، مستجاب می‌شود (بحارالانوار، ج ۹۰، ۳۱۷). امام صادق(ع) می‌فرماید: «هیچ‌گاه چهارنفر با هم اجتماع نکرده‌اند که برای مطلبی به درگاه خدا دعا کنند جز اینکه با اجابت آن دعا از هم جدا شده‌اند» (اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۷). این‌گونه احادیث که تعداد آن هم کم نیست نشانگر آن است که بعضی اشکال دعا می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری ارتباطات گروهی بین مؤمنین باشد و بی‌تردید شارع مقدس نیز به اهمیت این مسئله و تأثیر عمیق آن بر افزایش اتحاد بین اجتماع مسلمین واقف بوده است.

همچنین از امام صادق(ع) منقول است که فرموده‌اند: هرگاه امری پدرم را محزون می‌کرد، زنان و کودکان را جمع و دعا می‌کردند و آن‌ها آمین می‌گفتند». در فرهنگ حاکم بر اجتماعات دینی نیز این نوع از رفتار گروهی رایج است که یک خطیب یا مداح دعایی را از درگاه باری تعالی می‌خواهد و بقیه حاضران «آمین» می‌گویند. شکل دیگری از ارتباطات گروهی، در جلسات قرائت دعا‌هایی از قبیل دعای کمیل و دعای توسل در میان مؤمنان رایج است که در آن جماعت حاضر در جلسه بخش‌هایی را از ادعیه مأثور که به‌لحاظ معنایی دارای اهمیت بیشتری است و یا دارای وجه گروهی و صیغه جمع است، به‌صورت دسته‌جمعی می‌خوانند. این نوع از همخوانی‌ها و ارتباطات متقابل میان افراد در جلسات مذهبی، نشان از تحقق شکلی از ارتباطات گروهی در قالب دعا را دارد.

همچنین بخش‌هایی از دعا‌های صحیفه سجادیه نیز به آموزش ارزش‌های مرتبط با گروه‌های اجتماعی اختصاص یافته است. ارزش‌هایی که برخاسته از چارچوب هنجاری و ارزشی حاکم بر فرهنگ اسلامی است و می‌تواند حد بالایی از تأثیرگذاری را بر مؤمنان به همراه داشته باشد.

به‌عنوان مثال در دعای ۲۶ صحیفه سجادیه آمده است: «مرا به بهترین وجهی در رعایت حق همسایگان و دوستانم که به حق ما عارف و با دشمنان ما مخالفند اعانت کن، و ایشان را در اصلاح خودشان برای برپاداشتن سنت و فرا گرفتن آداب پسندیده خودت در ارفاق به ضعیف، و جبران فقر، و عیادت بیمار، و راهنمایی هدایت جوی، و نصیحت مشورت کننده و... موفق دار».

در مجموع کارکرد دعا در این سطح از ارتباطات در دو مورد خلاصه می‌گردد:
۱. تحقق ارتباطات گروهی در قالب کنش دعا و ۲. تقویت هنجارها و ارزش‌های مرتبط با ارتباطات گروهی.

۴-۱-۴. ارتباطات جمعی

نوعی از ارتباط که بر اساس آن با تعداد بسیاری از انسان‌های دیگر ارتباط برقرار می‌شود. این نوع ارتباط غیرمستقیم است که ارتباطات جمعی^{xi} خوانده می‌شود و عمدتاً از طریق مطبوعات پر شماره و بخصوص وسایل ارتباطی نوین همانند رادیو و تلویزیون بین گروه‌های وسیع انسانی انجام می‌گیرد (فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۱۶).

دعا را اگر به‌مثابه یک متن در نظر بگیریم، این متن می‌تواند در قالب رسانه‌های سنتی و جدید مثل منبر، کتاب، رادیو، تلویزیون و ... منتشر شود. دعا رابطه انسان با خداست اما همچون هر ارتباط میان‌فردی و کلامی دیگر اگر در قالب یک رسانه جمعی قرار گیرد، وجه ارتباطات جمعی پیدا می‌کند. در طول قرن‌ها کتب دعا مثل مفاتیح‌الجنان و صحیفه سجادیه حاوی انبوهی از پیام‌های دینی، اخلاقی، اجتماعی و ... بوده‌اند و با مخاطبان انبوه و «توده» ارتباط برقرار کرده‌اند. منبرهای دینی که تأسیس و شکل‌گیری آن‌ها به صدر اسلام برمی‌گردد، در طول اعصار مختلف در برگیرنده دعاهای مأثور از معصومین(ع) و یا دعاهایی غیر از آن بوده‌اند. با گسترش وسایل ارتباط جمعی و رواج برنامه‌های دینی در قالب رادیو و تلویزیون، بسیاری از مراسم دعاخوانی و یا دیگر مراسم دینی که دربردارنده دعا بودند، وسعت جهانی پیدا کردند.

نمونه جدید حضور دعا در رسانه‌های جمعی، پخش تلویزیونی و رادیویی منبرها و انواع مراسم مذهبی است که همزمان با یک سنت فرهنگی و دینی، با درخواست دعا از خداوند همراه است. در قالب این دعاها خطیبان و مداحان دعاهای مختلف و متنوعی را مطرح می‌کنند. بخشی از این دعاها بر خواسته «خواسته‌های کاملاً اخروی و ایمانی» هستند. مسایلی از قبیل درخواست ایمان و خلوص نیت بیشتر، بخشش گناهان و همراهی با اهل بیت(ع) در آخرت جزو این دسته قرار دارند. برخی از خواسته‌ها نیز مضمون دینی دارند اما عرصه تحقق آن‌ها در دنیاست. به عبارت دیگر فرد از خداوند می‌خواهد که فرامین شرعی و وعده‌های الهی در دنیا پیاده‌سازی شود. مسایلی از قبیل درخواست زیارت حج و حرم ائمه اطهار(ع) و تعجیل در فرج امام زمان(عج) در این دسته می‌گنجد.

بخشی از دعاها نیز خواسته‌های کاملاً دنیوی هستند که خطیب و یا مداح به نیابت از جمع و مخاطبان ملی و جهانی خود، از خداوند متعال درخواست می‌کند. مسایلی از قبیل نزول باران و برف، شفای بیماران و برطرف شدن مشکلات اقتصادی در این دسته می‌گنجد. دیگر بخش مهم ادعیه پایان منبر «خواسته‌های سیاسی مرتبط با حاکمیت اسلامی» است. مسایلی مانند خشتی شدن توطئه دشمنان نظام و کمک به شیعیان سایر کشورها در غلبه بر حکومت غیر شیعه در این دسته قرار می‌گیرند.

تفاوت آشکار میان نوع ادعیه مطرح‌شده توسط خطیبان و مداحان از یک سو نشان‌گر و مروج نوع خاصی از دین‌داری است. از سوی دیگر آموزه‌های دینی از قبیل لزوم تحقق معنویت و اخلاق در جامعه، پیگیری فرامین دینی در زندگی روزمره و حتی شکلی از رویکرد سیاسی در قالب دعا بیان می‌گردد. به عبارت دیگر بیان‌کننده دعا (که در واقع تولیدکننده محتوا برای یک رسانه جمعی است) با انتخاب این نوع از دعا پیام‌های مهمی را در عرصه دین، سبک زندگی، مسایل اجتماعی و سیاسی به مخاطبان خود منتقل می‌کند.

این شکل از انتقال پیام به مخاطبان انبوه در قالب ادعیه صحیفه سجادیه نیز پیگیری شده است و حضرت سجاد(ع) پیام‌های سیاسی، اجتماعی و دینی خود را در قالب دعا و به‌واسطه مهم‌ترین رسانه آن دوران یعنی «کتاب» به دست انبوه جامعه دینی و شیعیان خود رسانده است. در مجموع مهم‌ترین کارکرد دعا در این سطح را می‌توان «انتقال پیام‌های سیاسی، اجتماعی و دینی به‌واسطه دعا به مخاطبان انبوه» دانست.

۴-۱-۵. ارتباطات برون فردی

به ارتباط انسان با غیر انسان، ارتباطات برون فردی^{xi} می‌گویند. ارتباط برون فردی شامل ارتباط انسان با جانوران و نیز ارتباط انسان با ماشین‌های هوشمند از جمله رایانه‌ها می‌گردد. ارتباط برون فردی ارتباط انسان با عوالم خفیه و غیبی را نیز در برمی‌گیرد؛ بنابراین دورآگاهی یا تله‌پاتی، ارتباط با ارواح و ارسال علائم برای موجودات فضایی و بخصوص ارتباط با خدا نیز در این مقوله می‌گنجد (گیل و بریجت، ۱۳۸۴، ص ۲۱).

تعبیر ارتباط برون فردی برای رابطه انسان و خدا، تعبیر مناسبی نیست و مفهوم اسلامی دعا را به‌طور کامل منتقل نمی‌کند چرا که دعا صرفاً ارتباط انسان با موجودی غیرانسانی نیست بلکه ناشی از یک نوع رابطه تکوینی و فقر ذاتی انسان نسبت به خداوند است. با این حال نزدیک‌ترین مفهوم در علم ارتباطات، در زمینه ارتباط انسان و خدا «ارتباطات برون فردی» است. این ارتباط اختیاری که بالطبع متضمن گفت‌وگو با خداوند است می‌تواند پاسخی به فطرت خداجوی انسان باشد و نیاز ذاتی او را در مرتبه فعل اختیاری تأمین کند. این سطح از ارتباطات حاکم بر دعا، مهم‌ترین و مرکزی‌ترین سطح است که بر سطوح دیگر آن یعنی ارتباطات میان‌فردی، گروهی و جمعی تأثیرگذار است.

گفت‌وگو با خداوند که می‌تواند شکل‌ها و شیوه‌های متعددی را به خود اختصاص دهد، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های فرهنگ دینی است و همه ادیان الهی بر طبق فطرت انسانی به بحث دعا و نیایش پرداخته‌اند. در دین مبین اسلام نیز دعا یکی از زمینه‌های ارتباط با خداست و چون انسان‌ها دارای مراتب مختلف هستند، دعا نیز دارای مراتب متفاوت خواهد بود که این مراتب مختلف در متون دینی نیز مورد توجه قرار گرفته است. دعا در فرهنگ اسلامی و به‌طور خاص صحیفه سجادیه، حداقل در بردارنده چهار سطح و مرتبه است که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرد:

الف. دعای تاجرانه: گفت‌وگو با خدا گاهی بر مبنای خواسته مادی صورت می‌گیرد و انسان از خدا می‌خواهد که آن خواسته را برآورد و اگر محقق نشود، انسان دل‌آزرده می‌شود. این نگرش به دعا قطعاً نگرش صحیحی نیست ولی در اکثر مردم وجود دارد. دعای ۱۵ صحیفه سجادیه در هنگام ابتلا به گرفتاری و یا بیماری توسط حضرت سجاد خوانده می‌شده است: «سپاس ترا بر بیماری که اکنون در بدنم پدید آورده‌ای؛ زیرا نمی‌دانم ای معبود من که کدام یک از این دو حال برای شکر تو سزاوارتر است، و کدام یک از این دو وقت به ستایش تو اولی است» (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۱۰).

ب. دعا در مرتبه تجلی افعالی: انسان در اولین مرتبه دریافت، تجلی خدا را در بعد فاعلی و صفات فعلی او مشاهده می‌کند. برای انسان مرتبه ارتباط با افعال خدا مهم است. غفاریت، رازقیت و ... برای انسان قابل درک است؛ یعنی خداوند با این افعال برای ما متجلی می‌شود. بیان خواسته‌های مادی در ادعیه ماثوره از ائمه اطهار(ع) از همین باب است. در تمام دعاهایی که در صحیفه سجادیه آمده این نکته مشهود است که هرگاه خواسته‌ای از خداوند مطرح شده ارتباط آن خواسته با خدا هم مدنظر است یعنی هیچ چیزی به‌طور مطلق مورد حاجت نیست (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۱۰).

ج. دعا در مرتبه تجلی صفاتی: در این مرتبه انسان از افعال عبور می‌کند و خدا را در قالب صفات می‌بیند. در این مرتبه خداوند با صفات خود بر انسان متجلی می‌شود و نور صفاتی حق بر انسان می‌تابد. امام سجاده(ع) در صحیفه سجادیه در فقرات زیادی خواسته‌هایی از خدا مطرح می‌کنند که ارتباط بنده با خدا را در مرحله تجلی صفاتی تبیین می‌کند: «فرغ قلبی لمحببتک و اشغله بذکرک... و هب لی الانس بک و باولئائک و اهل طاعتک» و در جای دیگری می‌فرماید: «و اجعل یقینی افضل الیقین» و «هب لنا یقینا صادقاً تکفینا به من معونه الطلب...» (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۱۲).

د. دعا در مرحله تجلی ذاتی: زیباترین جلوه گفت‌وگو با خداوند، رسیدن به مقام تجلی ذاتی و وحدت حقیقی است. مرحله‌ای که انسان نور الهی را حتی در تكثر صفات حق نمی‌بیند بلکه وحدت واقعی را می‌یابد. امام سجاده(ع) در صحیفه

سجادیه به هنگام مناجات با خدا چنین عرضه می‌دارند که «اللهم اخلصت بانقطاعی الیک» «خدایا من خودم را با انقطاع از هرچه غیر از توست برای تو خالص گردانیده‌ام» که انقطاع واقعی همان مقام انقطاع از همه چیز غیر از ذات الهی است (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۱۴).

در واقع ارتباطات برون فردی حاکم بر دعا به‌خودی‌خود دارای چهار سطح و مرتبه است که این سطوح و مراتب کاملاً مورد تأیید و تأکید مبانی دینی نیز قرار گرفته است. مؤمنان به‌حسب سطح اعتقادی و ایمانی خود، در یکی از این سطوح با خداوند ارتباط برقرار می‌کنند و از این گفت‌وگو و ارتباط بهره خود را دریافت می‌کنند.

۴-۲. انواع ارتباطی دعا در فرهنگ اسلامی - شیعی

ارتباطات انواع مختلفی را در برمی‌گیرد که در این مقاله تلاش می‌شود تا مهم‌ترین ابعاد دعا در چهار نوع و گونه «ارتباطات کلامی»، «ارتباطات غیر کلامی»، «ارتباطات میان‌فرهنگی» و «ارتباطات سیاسی» مورد بررسی قرار گیرد.

۴-۲-۱. ارتباطات کلامی^{xiii}

دعا در شایع‌ترین تصور عبارت است از مجموعه‌ای از کلمات و نصوص ویژه‌ای که به مدد آن آدمی با ذات الهی ارتباطی معنوی پیدا می‌کند مانند دعای خداوند (در مسیحیت)، قدیش (در یهودیت) و دعا‌های نماز (در اسلام). تعداد زیادی از دعاها در کتاب‌های دعا، عبادت‌نامه‌ها، کتب مبین مناسک و مراسم عبادی، قوم‌نگاری‌های راجع به اقوامی که صرفاً سنت شفاهی دارند و زندگی‌نامه‌های شخصیت‌های دینی آمده است. امروزه حتی گونه‌شناسی دعا بر حسب خصیصه‌ها و غرض جداگانه دعاها مشخص می‌گردد که در نصوص دعا نمود می‌یابند. این نوع از گونه‌شناسی شامل چند دسته است که همه آن‌ها را می‌توان با عناوین توصیفی^{xiv} به آسانی مشخص ساخت. این دعاها عبارت‌اند از: حاجت^{xv}، استغاثه^{xvi}، شکرگزاری^{xvii}، وقف^{xviii}، توسل^{xix}، شفاعت^{xx}، اعتراف^{xxi}، توبه^{xxii} و دعای برکت^{xxiii} (دی‌گیل، ۱۳۸۶، ص ۶۹).

ماهیت پژوهش‌های انجام‌شده در دسترس، نیز اساساً دعاها را عمدتاً متونی می‌دانند و در بررسی آن‌ها به جنبه‌های معنایی، آگاهی بخشی و ادبی زبان که سازنده دعاها هستند، اکتفا می‌کنند. به‌رغم این محدودیت‌ها، متون دعا نمایانگر ابعاد الهیاتی، آموزه‌ای، فرهنگی، تاریخی، زیبایی‌شناختی و اعتقادی فرهنگ دینی است (دی‌گیل، ۱۳۸۶، ص ۷۱). دعا گفتار است و به اقتضای گفتار بودن دربردارنده تجربیات بشر از امر قدسی در اعصار مختلف است و هم‌زمانی مشترک برای همدلی انسان‌ها (مهروش، ۱۳۸۹، ص ۲۷).

برخی می‌پندارند که انسان باید از خداوند چیزهایی بطلبد که از دیگران ساخته نیست. در روایات آمده که خداوند موسی(ع) را خطاب کرد: ای موسی هرچه نیاز داری از من بخواه، حتی علف گوسفندان و نمک آشت را (بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۰۳). ولی بهترین دعاها، برای ازدیاد معرفت و نورانیت قلب و پاکی و صفای باطن و حسن عاقبت و توفیق در کارهای خیر و کسب ثواب و تخلق به اخلاق حمیده و انجام وظایف اسلامی و طلب مغفرت و آمرزش و تقرب به درگاه باری تعالی است (امیدی فرد، ۱۳۷۹، ص ۶۲). از سوی دیگر برای دعا محدودۀ خاصی نیز در نظر گرفته شده است. یکی از شرایط مهم دعا معقول و منطقی بودن آنهاست. امام علی(ع) می‌فرماید: ای دعاکننده، چیزی که شدنی نیست یا حلال نیست، در خواست مکن (بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۲۴). این نکته که در دین اسلام علی‌رغم توصیه به درخواست امور متعالی، محدودیتی برای نوع دعا تعیین نشده بیش‌ازپیش سبب می‌شود دعا بازتابنده انتظارات بشر از دین و دربردارنده تجربیات بشری از امر قدسی باشد.

از سوی دیگر زبان دعا زبان ظاهری و معمولی نیست، بلکه زبانی است باطنی که به‌مثابه جان و اصل است و این زبان ظاهری فرع و تابع آن به شمار می‌رود. ما انسان‌ها دو دهان داریم. زندگی معمولی و عرفی و آلودگی ما به امنیت و دلخوشی‌های آن، این دهان و زبان باطنی ما را می‌بندد و مجال و اذن سخن به او نمی‌بخشد. در چنین وضعی دعا کردن و خدا خوانی‌های زبان ظاهری، خالی از صداقت و حقیقت است و سخنی مرده است که روح ندارد. اضطرار، زبان تضرع و صدق را می‌گشاید و دعا را راستین می‌کند. از این‌رو در دعا می‌توان به صدق رسید و حقیقت نیاز و نیاز حقیقی خود را دریافت؛ حال آن‌که در بیرون از دعا ما مغلوب دروغیم و حس بی‌نیازی و اعتماد به «غیر از حق» را داریم (بنایی جهرمی، ۱۳۸۵، ص ۳۴).

مطالعه درباره دعا هنوز هم به‌طور گسترده‌ای تحت تأثیر ایده قدرت تأثیرگذاری زبان بوده است. حری در یکی از معدود بررسی‌های زبان‌شناختی پدیده دعا در ایران، دعای سال نو را به‌عنوان یک اثر ادبی بررسی و برخی ویژگی‌های زبانی این دعا را فهرست کرده است (حری، ۱۳۸۷).

در زمینه مسایل زیبایی‌شناختی در صحیفه سجادیه، اوسط خانجانی (۱۳۸۴) پژوهشی را انجام داده است که در آن با ارائه مصادیقی، شکوه تعبیر را در شش سطح مورد بررسی قرار داده است که به اختصار بدان اشاره می‌شود: ۱- شکوه واژگانی: که صحیفه سجادیه در این زمینه سه ویژگی مهم دارد: واژگان آن اوج فصاحت است، صبغه قرآنی دارد و دارای تنوع است. ۲- شکوه ساختاری: که ساختار و ترکیب در صحیفه سجادیه دقیقاً مطابق با مقتضای حال است و در آن مباحث فصل، وصل و قصر، تقدیم و تاخر، ایجاز، اطناب و مساوات، احوال و مسند و مسند الیه به زیباترین شکل وجود دارد. ۳- شکوه آوایی: که صحیفه سجادیه در برجسته‌سازی زبان و آوا و آهنگ در اوج قرار دارد. ۴- شکوه عاطفی: که ادعیه صحیفه سجادیه با الفاظی فصیح و بلیغ، واژه‌هایی حساس و هیجان‌بار، ترکیب‌هایی جذاب و بانفوذ، مضمون‌هایی ژرف و باز هم‌ژرف، در دعاها آفاقی از تعبیر را پدید آورده که به خوبی می‌توانند دل‌ها را بیدار کنند. ۵- شکوه بیانی: در ادعیه صحیفه سجادیه پیام‌ها از رهگذر صور خیال در علوم بلاغی به اشکال گوناگون ادا و تعبیر می‌شود و مسایلی از قبیل تشبیه، مجاز و کنایه در آن مکرراً به کار رفته است. ۶- شکوه بدیعی: صحیفه سجادیه به‌دلیل برخورداری از آرایه‌ها، حائز زیبایی‌های عرضی مانند سجع، جناس، طباق و مراعه می‌باشد (اوسط خانجانی، ۱۳۸۴، صص ۱۳-۱۷).

در مجموع بحث ارتباطات کلامی در دعا حداقل در دو سطح مطرح می‌شود:
۱. آنچه از خداوند خواسته می‌شود (که نشانگر نوع رویکرد دین‌داری است) و
۲. مباحث زیبایی‌شناختی موجود در زبان دعا.

۴-۲-۲. ارتباطات غیر کلامی

از مجموع تعاریف موجود درباره ارتباطات غیر کلامی^{xxi v} این چنین بر می‌آید که این نوع از ارتباطات ۱- در زمینه خاصی، ۲- در چارچوب زمان و مکان، ۳- در هر جو و فضایی، ۴- در وضعیت نبود احساسات پنج گانه انسان، ۵- در شرایط پرابهام و مبتنی بر معانی چندگانه، ۶- مبتنی بر هدف و فاصله و ۷- بسته به نوع فرهنگ و حوزه‌های جغرافیایی افراد، به گونه‌ای متفاوت شکل می‌گیرد و همچنین این نوع از ارتباطات نه تنها ۸- بیش از ارتباط کلامی مورد پذیرش قرار می‌گیرند بلکه ۹- جایگزین، مکمل، متعارض و مؤکد ارتباط کلامی اشخاص می‌باشد. در کل ارتباطات غیر کلامی ۱۰- حرکات، رفتارها و اعمال تعاملی و میان کنشی است (ریچموند و مک کروکسی، ۱۳۸۷، ص ۲۰).

آن چیزی که به بخش ارتباطات غیر کلامی می‌تواند مرتبط باشد، بحث «دعا به عنوان عمل» است. دعا روش ارتباط با موجودی است متعالی و از این رو عمیقاً بازتابنده شیوه ارتباطات رایج در جوامع انسانی و کنش‌های متقابل اجتماعی به‌ویژه هنگام رویارویی با اعیان است. انسان‌ها در برابر خداوند همان قدر و با همان معیارها شرم حضور دارند که آموخته‌اند برای محفل بزرگان ادب نگه دارند (مهروش، ۱۳۸۹، ص ۲۵).

در آیات و روایات برای کسی که دعا می‌کند، توصیه‌هایی ذکر شده است که فرد داعی بهتر است به آن‌ها عمل کند. بخشی از این توصیه‌ها به‌طور مشخص به ارتباطات غیر کلامی مربوط می‌شوند. در قرآن و روایات درباره زمان و مکان دعا بسیار سفارش شده است. برای مثال از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که «دعای بین دو نماز رد نمی‌شود» (بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۴۹). از دیگر موقعیت‌های زمانی برای دعا، می‌توان به هنگام نزول باران و وزش باد، هنگام سحر، بعد از تلاوت قرآن و شب و روز جمعه اشاره کرد (امیدی فرد، ۱۳۷۹، صص ۶۲-۶۶). هرچند بر اساس اطلاق ادله دعا، انسان می‌تواند هر کجا بخواد دعا کند و برای استجاب دعا مکان خاصی شرط نشده، اما بر حسب ادله دیگر مکان‌های خاص همچون زمان‌های خاص در اجابت دعا تأثیر بسزایی دارد؛ برای مثال، از امام رضا(ع) روایت شده: کسی بر این کوه‌ها (مکه) نایستاد، مگر اینکه دعای او را اجابت کردیم. از دیگر موقعیت‌های مکانی برای دعا، می‌توان به عرفات و مشعرالحرام، مساجد و حرم امام حسین(ع) اشاره کرد (امیدی فرد، ۱۳۷۹، صص ۶۸-۷۰). همچنین توصیه‌هایی درباره داشتن وضو و طهارت، رو به قبله بودن، بالا بردن دست‌ها هنگام دعا و مسایلی از این قبیل که همگی در قالب ارتباطات غیر کلامی می‌تواند تفسیر شود.

در صحیفه سجاده نیز دعاهای متعددی برای موقعیت‌های زمانی مختلف مانند روز عرفه، هنگام آغاز رمضان، عید فطر، عید قربان و ساعات مختلف روز آمده است. این میزان از توجه به تناسب زمانی نشان از آن دارد که در صحیفه سجاده

ابعاد ارتباطات غیر کلامی لحاظ شده است. در مجموع می‌توان گفت که بحث ارتباطات غیر کلامی درباره دعا، حداقل در سه زمینه «زمان»، «مکان» و «حالات بدنی» نمود پیدا نمی‌کند.

۴-۲-۳. ارتباطات میان فرهنگی

ارتباط میان مردمانی که ادراکات فرهنگی و نظام نمادهایشان به اندازه‌ای گوناگون است، که می‌تواند در جریان ارتباط، ایجاد اختلال نماید، ارتباطات میان فرهنگی^{xxv} نامیده می‌شود (همایون، ۱۳۸۴، ص ۲۸). ارتباطات میان فرهنگی، به‌عنوان فرایند

مبادله اندیشه‌ها، معانی کالاهای فرهنگی میان مردمانی از فرهنگ‌های مختلف، بین آن دسته از مردم اتفاق می‌افتد، که ادراکات فرهنگی و سیستم‌های نمادینشان به اندازه کافی مجزاً هستند. در این گونه از ارتباط، اساساً بین دو طرف ارتباط، هیچ‌گونه علقه فرهنگی وجود نداشته و یا این‌که طرفین، دارای پیوندهای فرهنگی ضعیفی هستند (سماور، ۱۳۷۹، ص ۹۷).

اساساً دین در آن دسته از ارتباطات میان فرهنگی که بستر مشترک مفاهیم و باورهای دینی میان آن دو یا چند فرهنگ وجود داشته است، مؤثرتر عمل می‌کند و دعا یکی از مقوله‌هایی است که تقریباً در همه ادیان وجود دارد. در هر مکتب و دینی که امری قدسی و ماورایی وجود داشته باشد و انسان‌ها آن موجود قدسی را گرداننده و مدبر عالم بدانند، دعا مجال تجلی پیدا می‌کند و لذا دعا اختصاصی به ادیان ابراهیمی و بلکه متدین به هر دینی، به شرط پذیرش مدبری برای جهان، ندارد و دعا را خواهد شناخت، چنان‌که به بیان قرآن مشرکان نیز دعا می‌کردند و کسانی را می‌خواندند و از آن‌ها حل مشکلاتشان را می‌خواستند.

عمل دعا برای آنکه مؤثر، راستین و توانبخش باشد نه تنها متضمن بیان کلمات است بلکه دربردارنده دخالت فعال عناصری از آن فضای تاریخی، فرهنگی و شخصی است که دعا در آن اظهار می‌شود. نیایش ممکن است شامل حالت‌ها و جهت‌گیری‌های بدنی خاص، اعمال و اهداف مناسکی، ساخت‌های معماری یا محیط‌های فیزیکی معین، اوقات خاصی از روز یا زمان‌های خاصی از سال و روحیه‌ها، نگرش‌ها یا نیت‌های مشخص باشد. در واقع دعا به اقتضای گفتار بودن دربردارنده تجربیات مشترک بشری از امر قدسی در اعصار مختلف است و از سوی دیگر ناقل فرهنگ‌ها و زبانی مشترک برای همدلی انسان‌هاست (دی گیل، ۱۳۸۶، ص ۷۲).

زبان و فرهنگ به‌گونه‌ای بنیادین به یکدیگر پیوند خورده‌اند و زبان یکی از بسترهای مهم ارتباطات میان فرهنگی است. هر فرهنگ توسط زبان، بیان‌گر و آفرینش‌گر مفاهیمی است و هر زبان همزمان به‌مثابه حافظه و نمود این فرهنگ ظاهر می‌شود. یادگیری یک زبان خارجی به معنای حرکت به سوی فرهنگ دیگری است، به معنای رام کردن و نیز به‌گونه‌ای از آن خود کردن آن فرهنگ. دوزبانگی نیز به معنای دوفرهنگی شدن یا به بیان روشن‌تر، درهم آمیختن دو فرهنگ در هویت خود است. عربی‌زبان قرآن و زبان دین اسلام است. خداوند نیز بر عربی نازل کردن قرآن تأکید دارد و گنجایش بالای زبان عربی خود باعث این شده است که کلام خدا در بهترین وجه به دست ما برسد. اهمیت زبان عربی در فرهنگ اسلامی تا بدان جاست که ابن عباس از رسول خدا روایت کرده که فرمود: من عرب را به خاطر سه چیز دوست دارم: ۱. چون خودم عرب هستم ۲. چون قرآن عربی است ۳. چون زبان اهل بهشت عربی است. ادعیه مأثور از معصومین (ع) در کنار سایر متون مقدس دینی در طول چندین قرن بر زبان مؤمنین جاری بوده است و در صادقانه و صمیمی‌ترین لحظات واسطه مشترکی برای ارتباط با خداوند بوده است. این زبان مشترک زمینه بسیار مساعدی را برای مبادله اندیشه‌ها، معانی و کالاهای فرهنگی میان جامعه مسلمین فراهم کرده است و ارتباطات میان فرهنگی عمیقی را میان امت اسلامی شکل داده است.

بحث ارتباطات میان‌فرهنگی در دعا محصور به عنصر زبان نیست بلکه بعضاً مفاهیم منتقل شده از طریق دعا دربردارنده ارزش‌هایی است که به تحقق این‌گونه از ارتباطات می‌انجامد؛ برای مثال، یکی از گرایش‌های فرهنگی مورد مذمت در صحیفه سجادیه، قبیله‌گرایی و قوم‌گرایی است. در دوره زندگانی امام سجاده (ع) و حتی قبل از آن، ارزش‌های دینی تحت‌الشعاع ارزش‌های قبیله‌گرایی قرار داشت اما مجدداً و به تدریج بعد از رحلت پیامبر (ص) و به‌ویژه در دوره حاکمیت امویان ارزش‌های قبیله‌ای قبل از اسلام در جامعه حاکمیت کامل پیدا کرده بود. امام در لابه‌لای دعا‌های عرفانی خود می‌کوشد تا آن را به‌عنوان ضد ارزش محکوم کند؛ برای مثال، در دعای دوم صحیفه، در توصیف پیامبر (ص) آمده است: «او در جهت رضای تو با اقوام جنگید و در راه احیای دین تو با ارحام خود قطع رابطه کرد» و یا در دعای هشتم در یکی از استعاذه‌های خود می‌فرماید: «اللهم اعوذ بک من ... ملکه الحمیه» «پروردگارا به تو پناه می‌برم از ملکه عصبیت و حمیت (طرفداری قبیله‌ای و باطل)».

در مجموع ارتباطات میان‌فرهنگی در پدیده دعا حداقل در چهار عرصه تحقق پیدا می‌کند: ۱. دعا به‌عنوان یک مقوله مشترک میان ادیان؛ ۲. دعا به‌عنوان ناقل فرهنگ‌ها و مناسک فرهنگی؛ ۳. ارتباطات میان امت اسلامی بر بستر زبان عربی و ۴. تقویت هنجارها و ارزش‌های مرتبط.

۴-۲-۴. ارتباطات سیاسی

ارتباطات سیاسی^{xxvi}، ارتباطاتی است که اثراتی بالفعل یا بالقوه بر عملکرد یک نظام سیاسی یا هر وجود مستقل سیاسی دیگر، داشته باشد (بلیک، ۱۳۷۸، ص ۶۱). به تعبیر دیگر ارتباطات سیاسی فرآیند تولید، ارسال، دریافت و پردازش نوعی از اطلاعات است که به‌صورت بالقوه اثرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم در سیاست دارد (Graber & Smith, 2005, p. 479).

امام سجاده (ع) استفاده‌های متعدد و متنوعی از دعا در زمینه ارتباطات سیاسی داشته‌اند که حداقل در سه سطح بینش سیاسی، گرایش سیاسی و رفتار سیاسی ظهور و بروز داشته است (برزگر، ۱۳۸۳، ص ۲۷). آن حضرت از طریق ادعیه صحیفه سجادیه به ترسیم و تحکیم آموزه‌های اعتقادی پرداخته‌اند که دارای بازتابی در سیاست است. از جمله این اندیشه‌ها توحید افعالی است که حاکمیت ابدی و مطلق و مستمر خداوند بر جهان هستی است و این که قدرت‌های ظاهری پادشاهان و خلفا قدرت‌های نسبی، زودگذر و زوال‌پذیر هستند؛ برای مثال، در دعای ۴۶ صحیفه سجادیه آمده است که تداوم اقدامات ظالمان مطابق سنت خداوند از باب مهلت دهی و اتمام حجت و فرصت جهت بازگشت و جبران خطاست. در همین راستا تفکر در قدرت مطلق خداوند و کسب روحیه برای تفکر علیه دشمنان در مناجات امام در دعای ۲۰ طرح می‌شود: «اللهم اجعل... ذکرا لعظمتک و تفکرا فی قدرتک و تدبیرا علی عدوک». موضوع «آخرت و مرگ اندیشی»، «امامت خاندان پیامبر (ص)» و «صلوات بر خاندان پیامبر (ص)» از جمله موضوعات صحیفه سجادیه در عرصه بینش سیاسی بوده است.

همچنین امام سجاده (ع) در خلال مضامین ادعیه به گرایش‌های سیاسی مورد نظر اسلام پرداخته است که «تهذیب نفس» و «پرورش تبری از دشمنان و تولی محبان» از جمله آن‌ها بوده است؛ برای مثال، در دعای ۲۵ آمده است: «خداوندا، فرزندان مرا ... دوستدار و نصیحت‌گزار دوستان، و معاند و کینه‌توز همه دشمنان قرار ده». همچنین «نقد قبیله‌گرایی در سیاست»، «زهده و موازنه منطقی بین دنیا و آخرت» و «تعادل شخصیتی» از جمله دیگر گرایش‌های سیاسی مورد توجه آن حضرت بوده است.

در عرصه رفتار سیاسی نیز آن حضرت مجموعه‌ای از رفتارهای سیاسی مطلوب را در قالب دعا ترویج می‌دهد؛ برای مثال، در دعای ششم صحیفه آمده است: «خدایا بر محمد و آلش رحمت فرست، و ما را در این روزمان و این شبمان و در همه روزهایمان موفق دار، برای کار بستن خیر، و دوری از شر، و شکر نعمت‌ها، و پیروی سنتها، و اجتناب از بدعت‌ها و امر به معروف، و نهی از منکر، و طرفداری اسلام، و نکوهش باطل، و خوار ساختن آن، و یاری حق و گرامی داشتن آن، و ارشاد گمراه، و معاونت ناتوان، و فریادرسی مظلوم». در این دعا امام از خداوند توفیق عمل در امور ذیل را مسئلت می‌کند: ۱- عمل به امر به معروف و نهی از منکر ۲- پاسداری و حفظ اسلام ۳- کوبیدن باطل و یاری حق ۴- کمک به گمراهان و ارشاد آنان به صراط مستقیم اسلام ۵- یاری رساندن به ضعفا و پناه دادن به آنان.

نتیجه‌گیری

دعا پژوهی از منظر ارتباطات و علوم اجتماعی جزو حوزه‌های مغفول مانده در ایران و جهان است. دعا در فرهنگ اسلامی معنایی متفاوت و عمیق‌تری در مقایسه با سایر ادیان دارد و بررسی‌های محدود انجام‌شده درباره دعا در دین مسیحیت اگرچه مفید است اما تفاوت‌های مبنایی با دعا در اسلام و خصوصاً مذهب شیعه دارد. دعا در اسلام ابزار حرکت تعلیم و تربیت قرار گرفته و امامان شیعه خصوصاً امام سجاده (ع) در حرکت تبلیغی خود بهره ویژه‌ای از دعا برده‌اند. آن امام بزرگوار به دلیل شرایط پیچیده سیاسی و اجتماعی بعد از حادثه کربلا، دعا را به‌عنوان اسلحه‌ای برنده‌تر از شمشیر انتخاب کرد و با این کار توانست اهداف عالی امامت خویش را با درایت و هوشمندی تمام در قالب مطمئن‌ترین سند در اختیار مردم عصر خویش قرار دهد. این‌گونه استفاده آگاهانه و عامدانه از دعا در مسیر مبارزه فرهنگی و سیاسی سبب شد تا دعا در فرهنگ اسلامی - شیعی ابعاد مهم و پیچیده‌تری در مقایسه با سایر ادیان پیدا کند. لذا در این مقاله با هدف شناسایی وجوه مغفول مانده، تلاش شد تا ابعاد دعا در فرهنگ اسلامی - شیعی را در قالب «سطوح ارتباطاتی» یعنی درون فردی، میان‌فردی، گروهی، جمعی و برون فردی و در قالب «انواع ارتباطات» کلامی، غیرکلامی، میان فرهنگی و سیاسی مطرح کنیم. در این بخش تلاش شد تا از آیات قرآن و روایات معصومین (ع) به‌طور کامل بهره گرفته شود و همزمان ابعاد عرفانی و فلسفی دعا و همچنین قالب‌های جدید و پیامدهای ارتباطی و فرهنگی این پدیده در جامعه مسلمین در نظر گرفته شود. تمرکز این مقاله روی ادعیه صحیفه سجاده بوده است و در هر بخش نمونه و یا نمونه‌هایی از سطوح و انواع ارتباطات معرفی شده است.

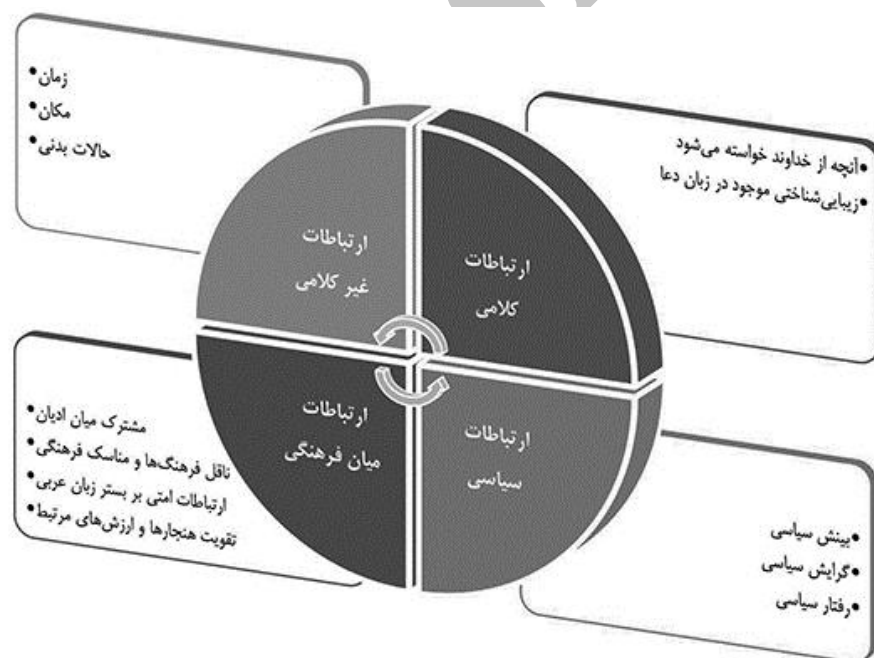
ارتباطات برون فردی	• دعای تاجرانه، تجلی افعالی، تجلی صفاتی، تجلی ذاتی
ارتباطات جمعی	• انتقال پیام‌های سیاسی، اجتماعی و دینی به واسطه دعا به مخاطبان انبوه
ارتباطات گروهی	• تحقق در قالب کنش دعا • تقویت هنجارها و ارزش‌های مرتبط
ارتباطات میان فردی	• تقویت هنجارها و ارزش‌های مرتبط
ارتباطات درون فردی	• شکل‌دهی، تقویت و جهت‌دهی در جهت دستیابی به یک احساس و تجربه معنوی

نمودار شماره ۱. سطوح ارتباطی دعا در فرهنگ اسلامی - شیعی به همراه مقوله‌های مرتبط

Archive 03

نتایج بررسی و تطبیق بخشی از مفاهیم مهم علم ارتباطات با پدیده دعا در فرهنگ اسلامی به روشنی نشان می‌داد که ما با یک پدیده چندبعدی و پیچیده مواجهیم که همزمان در چند سطح ارتباطی عمل می‌کند. مهم‌ترین سطح ارتباطی دعا و درعین‌حال بیرونی‌ترین سطح آن (که در نگاه اول مورد توجه است) همان ارتباطات برون فردی (ارتباط انسان با خدا) است که خود به تناسب جایگاه معنوی خواننده آن دعا دارای چهار سطح است؛ اما مرکزی‌ترین سطح آن ارتباطات درون فردی است که تمامی عملکرد دعا در عرصه ارتباطات میان فردی، گروهی و جمعی تحت تأثیر و به واسطه آن صورت می‌گیرد. ارتباطات جمعی در دعا همان سطحی است که مورد استفاده معصومین(ع) و به طور خاص امام سجاد در تبلیغ دین قرار گرفته است. درعین‌حال ادعیه دربردارنده معانی و چارچوب‌های هنجاری است که در جهت تقویت ارتباطات میان فردی و گروهی مفید و مؤثر است.

در میان انواع ارتباطات نیز بدیهی است که ارتباطات کلامی رکن اصلی دعا را شکل می‌دهد و ارتباطات غیر کلامی آن را تکمیل می‌کند. درعین‌حال دعا در عرصه ارتباطات میان فرهنگی و سیاسی به طور جدی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و در قالب‌های متنوع و متعدد به فعالیت می‌پردازد.



نمودار شماره ۱. انواع ارتباطی حاکم بر دعا در فرهنگ اسلامی - شیعی به همراه مقوله‌های مرتبط

در این میان لزوم توجه سیاست‌گذاران فرهنگی و رسانه‌ای کشور به ابعاد ارتباطی متعدد و متنوع این پدیده مهم و راهگشاست. تبلیغ و ترویج فرهنگ دینی با استفاده از ابزار دعا - آن‌گونه که در سیره معصومین(ع) نیز به چشم می‌خورد - می‌تواند یکی از فواید توجه به ابعاد ارتباطی دعا باشد. بی‌تردید ادعیه مؤثر و غیر مؤثر به علت آنکه در شرایط مکانی و زمانی خاص و با رعایت آداب خاصی خوانده می‌شود و فرد در هنگام قرائت آن در شرایط ویژه روحی و معنوی خاص قرار دارد، می‌تواند تأثیرگذاری بیشتری در مقایسه با تبلیغ مستقیم داشته باشد. متون متعدد دعایی مثل مفاتیح‌الجنان و صحیفه سجادیه که از معصومین(ع) به دست ما رسیده است، دارای جملات و عبارات موجز، موزون، چندلایه، توأم با احساسات و ... است که نه تنها می‌تواند مورد استفاده مبلغین دینی و فعالین رسانه‌ای و فرهنگی قرار

گیرد بلکه می‌تواند زمینه‌ساز بحث‌های جدید و توسعه مرزهای دانشی در علم بلاغت، زبان‌شناسی و ... شود. از آنجایی که دعا یکی از مفاهیم مشترک در میان تمامی ادیان الهی است، می‌تواند به‌عنوان یک بستر مناسب برای توسعه ارتباطات فرهنگی و انتقال ارزش‌های فرهنگ اسلامی - شیعی به سایر ادیان و فرق اسلامی عمل کند.

یادداشت‌ها

-
- i. Williamson
 - ii. Baesler
 - iii. Divine Other
 - iv. Interpersonal Christian Prayer Model (ICPM)
 - v. Thematic analysis
 - vi. H.F Wolcott
 - vii. Intrapersonal Communication
 - viii. Interpersonal Communication
 - ix. Group Communication
 - x. Ritual prayer
 - xi. Mass Communication
 - xii. Extrapersonal Communication
 - xiii. Verbal communication
 - xiv. Descriptive designations
 - xv. petition
 - xvi. invocation
 - xvii. thanksgiving
 - xviii. dedication
 - xix. Primitive culture
 - xx. intercession
 - xxi. confession
 - xxii. penitence
 - xxiii. benediction
 - xxiv. Non-verbal Communication
 - xxv. Intercultural Communication
 - xxvi. Political Communication

کتابنامه

قرآن کریم.

صحیفه سجادیه (۱۳۷۹)، ترجمه علی شیروانی، قم: دارالفکر.

ابراهیمی، مهدی (۱۳۸۳)، «جلوه‌های عرفانی دعا در صحیفه سجادیه»، فصلنامه اندیشه دینی، شماره ۱۳: ۱-۱۶.

امیدی فرد، عبدالله (۱۳۷۹)، نقش دعا در زندگی اجتماعی، تهران: انتشارات میثم تمار.

اوسط خانجانی، علی (۱۳۸۴)، «شکوه تعبیر و صحیفه سجادیه»، فصلنامه اندیشه دینی، شماره ۱۵: ۱-۲۰

برکو، ری ام، آندرو دی. ولوین و دارلین آر. ولوین (۱۳۸۶)، مدیریت ارتباطات، ترجمه محمد اعرابی و ایزدی، داود، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

برومر، ونسان (۱۳۸۴)، «دعا شکوفایی ایمان و باور به خدا»، فصلنامه اندیشه دینی، شماره ۱۵: ۳-۱۷.

بلیک، رید و همکاران (۱۳۷۸)، *طبقه‌بندی مفاهیم در ارتباطات*، ترجمه مسعود اوحدی، تهران: سروش.

بنایی جهرمی، مهدی (۱۳۸۵)، «سیلاب سرشک و طوفان بلا: تأملی در دعا و نگاهی به صحیفه سجادیه»، *خردنامه همشهری*، شماره ۶، ۳۳-۳۵.

حری، ابوالفضل (۱۳۸۷)، «افسون صوت و معنا در دعای آغازین سال نو به منزله اثری ادبی»، *فصلنامه پژوهش زبان‌های خارجی*، شماره ۴۳: ۷۱-۹۳.

دستغیب شیرازی، علی محمد (۱۳۳۶)، *دعا*، تهران: انتشارات حکمت.

دی گیل، سام (۱۳۸۶)، «دعا از سه منظر»، ترجمه حمید بخشنده، *مجله هفت‌آسمان*، شماره ۳۶: ۶۷-۷۹.

رهبر، محمدتقی (۱۳۶۶)، *سیاست و اجتماع در صحیفه سجادیه*، تهران: معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی.

ریچموند، ویرجینیا و مک کروکسی، جیمز سی (۱۳۸۷)، *رفنار غیرکلامی (در روابط میان‌فردی)*، ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژیلا عبدالله‌زاده، تهران: نشر دانژه.

سلمانی‌پور، محمدجواد (۱۳۸۴)، «فرهنگ‌سازی امام سجاده (ع) با زبان دعا»، *فصلنامه اندیشه دینی*، شماره ۱۷: ۸۵-۱۰۶.

سماور، لاری ا و دیگران (۱۳۷۹)، *ارتباط بین فرهنگ‌ها*، ترجمه غلامرضا سبحانی و دیگران، تهران: باز.

فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۴)، *ارتباطات انسانی*، جلد اول و دوم، تهران: رسا.

کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا)، *اصول کافی*، تهران: نشر اهل بیت.

گیل، دیوید و بریجت، آدمز (۱۳۸۴)، *الفبای ارتباطات*، ترجمه رامین کریمیان و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار الإحياء التراث العربی.

مدرسی، محمدتقی (۱۳۷۱)، *دعا پرواز روح و راه زندگی*، تهران: مطلع فجر.

مهروش، فرهنگ (۱۳۸۹)، *مروری برگستره دعاپژوهی*، تهران: بصیرت.

میرقادری، سید فضل‌الله (۱۳۸۴)، «ادبیات سخنان امام سجاده (ع) و صحیفه سجادیه»، *فصلنامه اندیشه دینی*، شماره ۱۵: ۱۱۹-۱۳۴.

نریمانی، میثم؛ قاضی نوری؛ سید سپهر و میرعمادی، طاهره (۱۳۹۱)، «استخراج دلالت‌های سیاستی رویکرد تطوری در حوزه علم و فناوری: تحلیلی تماتیک»، *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، شماره ۲: ۱-۱۶.

همایون، محمدهادی (۱۳۸۴)، *جهانگردی: ارتباطی میان‌فرهنگی؛ مطالعه تطبیقی الگوی غربی و الگوی اسلامی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

Baesler, E. J. (1997), "Interpersonal Christian prayer and communication". *The Journal of Communication and Religion*, 20, 5-13.

Baesler, E. J. (1999), "A model of interpersonal Christian prayer", *The Journal of Communication and Religion*, 22, 40-64.

Baesler, E.J. (2003), *Theoretical explorations and empirical investigations of communication prayer*, Lewiston, NY: The Edwin Mellon Press.

Eidenmuller, M.E. & Honeycutt, J.M. (2010), "Characteristics and functions of imagined interactions and interpersonal Christian prayer", In J.M. Honeycutt (Ed.), *Imagine That: Studies in Imagined Interactions*, Cresskill, NJ: Hampton.

Graber, Doris A. & James M. Smith (2005), "political Communication Faces the 21 st Century", *Journal of Communication*, Vol. 55, No. 3.

Williamson, K. L. (1980), "Prayer as a special case of intrapersonal communication Religious", *Communication Today*, 3 (1), 12.

Braun, Virginia; Clarke, Victoria (2006), "Using thematic analysis in psychology". *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2).

Daly, Kellehear, & Gliksman (1997), *The public health researcher: A methodological approach*, Melbourne, Australia: Oxford University Press.

Guest, Gregg (2012), *Applied thematic analysis*. Thousand Oaks, California: Sage.

Archive of SID